

بررسی حقوق و تکالیف مترجمان در حقوق ایران

دکتر محمدرضا بندرچی (دانشیار دانشگاه)

مقدمه:

دنیای امروز که به حق می‌توان آن را دنیای پیشرفت و ترقی علمی نام نهاد، با سرعتی غیرقابل تصور روبه رشد و گسترش علمی است. این گسترش نه تنها در جنبه‌های فنی و علوم تجربی است، بلکه دامنه این تحقیقات و تتبعات، علوم انسانی را نیز فرا گرفته است. یکی از نتایج این ترقی و رشد حیرت‌انگیز علوم و معارف بشری، کثرت تألیفات و نوشته‌های علمی است که توسط متفکرین و دانشمندان به جامعه بشری عرضه می‌گردد؛ به گونه‌ای که شاید بتوان گفت عصر ما عصری است که بیش از هر دوره دیگر در آن، نوشته و تألیف آفریده می‌شود. این نوشته‌ها به واسطه رشد دانش، از محدوده محیط مؤلف و نویسندگان فراتر گذاشته و در سراسر گیتی نشر و گسترش پیدا می‌کند. شاید کتابی که امروز در این سوی کره خاکی نشر می‌گردد، پس از چند روز، در آن طرف دنیا به دست مشتاقان خود برسد و بدین ترتیب، معارف بشری مبادله می‌شود و رشد می‌یابد. اما مشکلی که در این باره وجود دارد این است که بسیاری از این تألیفات و رساله‌ها به زبان خاصی نگاشته شده است، لذا جز برای آشنایان به آن زبان، برای دیگران قابل استفاده نیست.

بیگانه بودن زبان تألیف در یک جامعه باعث می‌شود که ناآشنایان به آن زبان، از محتوا و موضوع آن بی‌اطلاع مانده و معرفت نگاشته شده تنها به آشنایانش محدود بماند و این خود نقصی مهم است که مانع گسترش علوم و معرفت‌ها می‌گردد. یکی از راههایی که می‌تواند این کاستی را برطرف سازد، ترجمه نمودن آثاری است که به زبان‌های خارجی نوشته شده است. این کار باعث می‌شود که دانش مؤلف که به خاطر محدود بودن به زبانی خاص، تنها برای آشنایان بدان زبان قابل استفاده است برای افراد دیگری نیز که به زبان تألیف آن ناآشنا هستند قابل بهره‌گیری باشد. مفید بودن ترجمه و اثرات و نتایج بسیار مطلوب آن هیچ‌گاه موردانکار نبوده؛ به طوری که باید گفت بشر از زمان‌های قدیم به این ضرورت پی برده بود و به برگردانیدن آثاری از یک زبان به زبانی دیگر پرداخته است. نگاهی گذرا به

تاریخ علم، این واقعیت را اثبات می‌کند. در کشور ما ایران نیز از دیرباز مسئله ترجمه آثار و نوشته‌های بیگانه مطرح بوده تا جایی که مترجمین متعددی به این کار دست زده و آثاری را از زبان‌های غیرفارسی همچون عربی، انگلیسی و فرانسه به فارسی برگردانده‌اند و بدین ترتیب دریچه‌ای از معارف جوامع دیگر را به روی فارسی زبانان باز کرده‌اند.

ارزش کار ترجمه و نیز زحماتی که یک مترجم در راه برگردانیدن کتاب یا اثری خاص متحمل می‌شود باعث شده که حکومت هر جامعه برای حمایت از تلاش وی، تدابیری اندیشیده و او را در این راه یاری نماید و نگذارد سودجویان، زحمات او را مورد غارت قرار دهند، که اگر چنین نباشد کمتر کسی حاضر است با صرف مدتی طولانی از عمر خویش که در راه ترجمه متحمل می‌شود، اثر خویش را به رایگان در اختیار منفعت‌طلبان قرار دهد. در کشور ما ایران نیز همانند بسیاری از جوامع قانونمند، بر کار ترجمه و مترجم مقرراتی حاکم است که می‌تواند تا حدی حامی حقوق مترجمان باشد. این مقررات هرچند ناقص بوده و آن‌طور که باید و شاید نمی‌تواند از حقوق این گروه حمایت کند، ولی تا حدودی قادر است مقداری از حقوق آنان را از تجاوز مصون دارد. اکنون ما در چند بخش به بررسی این مقررات می‌پردازیم.

۱- تعریف مترجم و ترجمه

در قوانین کشور، تعریفی از مترجم یا ترجمه وجود ندارد؛ و برای درک این مفهوم‌ها باید به عرف مراجعه کرد.

از نظر عرفی، مترجم کسی است که با استفاده از دانش خود که همان تسلط بر زبان بیگانه است، کلامی را از زبانی به زبان دیگر برمی‌گرداند، و بر همین مبنا عمل وی را که همان برگردانیدن کلام مذکور است “ترجمه” می‌گویند. در این رابطه فرقی بین انواع ترجمه‌ها و مترجمین وجود ندارد، خواه عمل برگردانیدن به صورت مکتوب و نوشته باشد و یا اینکه مضبوط بر نوارها و فیلمها، “ترجمه” محسوب می‌گردد.

۲- چه نوع ترجمه‌هایی از حمایت قانونی برخوردار است؟

از نظر حقوقی باتوجه به ماده (۱) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶، باید گفت که قانونگذار از کلیه ترجمه‌هایی که به‌نحوی متضمن عمل ترجمه است حمایت می‌نماید. درنتیجه، فرقی بین ترجمه‌های مکتوب و غیرمکتوب وجود ندارد. پس، خواه مترجم، ترجمه خود را به‌صورت نوشته درآورده باشد و یا آن را در نوار یا فیلم یا هر وسیله دیگر ضبط نموده باشد، از حمایت قانون برخوردار خواهد بود.

۳- چه نوع آثاری را می‌توان ترجمه نمود؟

از لحاظ حقوقی، قانونگذار ما هیچ‌گونه محدودیتی برای نوع آثار موردترجمه قرار نداده است؛ پس مترجم آزاد است که از میان آثار علمی، اجتماعی، دینی، ادبی و ... هرکدام را می‌خواهد ترجمه نماید و نوع زبانی که اثر اصلی بدان نگاشته شده نیز ملاک نیست. اما چه بسا آثار و نوشته‌هایی با نظم عمومی جامعه یا حقوق موردحمایت قانونی افراد جامعه برخورد داشته باشد، قانونگذار برای نشر و ترجمه پاره‌ای از مطالب، محدودیت و یا مجازات قایل شده است. این محدودیت‌ها بدین‌شرحند:

الف) آثاری که به‌نحوی مخلّ به مبانی اسلام باشد نباید ترجمه و نشر گردند.

اصل بیست و چهارم قانون اساسی می‌گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخلّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» بنابراین، اگر متضمن توهین به مبانی اسلامی و یا مخلّ حقوق عمومی باشد نباید ترجمه و نشر گردد؛ اما مترجم آزاد است قسمتی را که مخلّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی بوده ترجمه ننماید و فقط بخش‌های دیگر را ترجمه کند.

البته چنانچه از قسمت اخیر اصل مزبور برمی‌آید، تفصیل مطالب مخلّ به اسلام یا حقوق عمومی باید توسط قانون مشخص گردد که تاکنون توسط مجلس شورای اسلامی قوانینی مستقلاً در جهت توضیح و تفصیل این موضوع وضع نگردیده است؛ اما از تبصره‌های ماده (۶) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می‌توان دریافت که مطالب زیر می‌توانند مصادیق اخلاف در مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند:

الف - مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

ب - مطالبی در ارتباط با فحشا و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

ج - مطالبی برای ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

د - مطالبی در تحریص و تشویق افراد گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج از کشور.

ه - اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام رهبری و مراجع مسلم تقلید.

غیر از موارد فوق که به‌خاطر مخل بودن به مبانی اسلام و حقوق عمومی از ترجمه و نشر ممنوع هستند، ترجمه و نشر مطالب زیر نیز ممنوع است:

الف - ترجمه‌های متضمن افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند.

ب - سرقت‌های ادبی.

۴ - آیا برای ترجمه اثری خاص، باید از مؤلف اصلی اجازه گرفت؟

گاهی ترجمه یک اثر و انتشار آن منبع درآمد سرشاری می‌گردد. پس نباید به اشخاص اجازه داد که بدون موافقت مؤلف، اثر او را ترجمه کرده و از این راه بهره‌برداری‌های مادی و معنوی کنند. چه بسا که مؤلف در راه تألیف و خلق اثر خود، متحمل هزینه‌های مادی و زحمات طاقت‌فرسا شده باشد. ترجمه کردن این اثر بدون اجازه مؤلف، باعث می‌شود که مترجم بدون تحمل حتی اندکی از رنج‌های فراوان مؤلف به منافی با دأورده دست یابد. برای حمایت از مؤلف است که قانون برای ترجمه آثار خالقین آنها محدودیت‌هایی قائل شده است.

از نظر قانونی باید بین آثاری که برای اولین بار در ایران منتشر می‌شود و آثاری که برای اولین بار در خارج منتشر می‌گردد تفاوت قائل شد.

مطابق بند پنجم از ماده (۵) قانون حمایت مؤلفان، از جمله حقوقی که مؤلف بر اثر خود دارد، حق ترجمه است که او می‌تواند آن را به میل خویش به هر کس که بخواهد واگذار کند. در نتیجه، نمی‌توان اثری را بدون اجازه مؤلف اصلی یا جانشینان وی ترجمه و نشر می‌داد؛ ولی چنانچه اثری نخستین بار در خارج از کشور منتشر شود، مؤلف آن نمی‌تواند از حمایت قانونی در زمینه حق خویش بر ترجمه اثرش برخوردار باشد، پس، چنین آثاری را می‌توان بدون کسب اجازه از مؤلف اصلی، ترجمه و منتشر نمود؛ ولی برای ترجمه آثاری که برای اول بار در ایران چاپ یا نشر می‌گردد، بدیهی است باید از مؤلف اصلی یا جانشینان وی اجازه گرفت و مطابق مفاد آن اقدام به ترجمه نمود. البته قابل ذکر است، چنانچه شخصی بدون اجازه مؤلف، اثر وی را ترجمه و چاپ کند، ضمانت اجرایی لازم برای تعقیب وی وجود ندارد؛ بلکه وی تنها می‌تواند تحت این عنوان که مترجم به حق مادی وی تجاوز نموده به استناد قواعد عمومی مسئولیت مدنی از دادگاه، حکم به جبران خسارت خود را بخواهد.

۵ - مترجم چه حقوقی بر اثر ترجمه شده‌اش دارد؟

هر کسی که دست به ترجمه اثری می‌زند و اصولاً هر مؤلف یا مصنفی، نسبت بدان اثر دارای دو نوع حق است که قانون از هر دوی این حقوق حمایت می‌کند. این حقوق عبارتند از:

۱ - حقوق مادی ، ۲ - حقوق معنوی.

حقوق مادی: مترجم و صاحب اثر دارای حق انحصاری هرگونه بهره‌برداری مالی از اثر خویش است. به عبارت دیگر، هرگونه تصرف در اثر که متضمن استفاده مادی باشد متعلق به صاحب آن است. مهم‌ترین این حقوق عبارتند از:

حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق اقتباس و تلخیص و تبدیل، حق عرضه و اجرا، حق استفاده از پاداش و جایزه.

این حقوق چون مالی هستند همانند هر حق مالی، قابل نقل و انتقال بوده و صاحب آن می‌تواند همه یا بعضی از آنها را مجاناً یا در مقابل عوض، به شخص یا اشخاصی منتقل کرده یا وصیت نماید، و چنانچه فوت نماید حقوق مذکور به‌طور قهری به وراثت منتقل می‌گردد.

مطابق ماده (۱) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی: «حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وراثت قانونی اوست» پس تا زمانی که مترجم در قید حیات است، حقوق مادی اثر به وی تعلّق دارد؛ همچنان که می‌تواند آن را به دیگری نیز انتقال دهد و با فوت وی، ورثه صاحب این حقوق می‌شوند.

حقوق معنوی: مترجم علاوه بر حقوق مادی، دارای پاره‌ای از حقوق و امتیازات غیرمالی است که مربوط به شخصیت وی و برای حمایت از آن است. اروپایی‌ها از آن با تعبیر “droit intellectuel” یاد می‌کنند. قانونگذار، این حقوق را تحت عنوان “حقوق معنوی” برای هر صاحب اثری شناخته است. این حقوق در قانون تعریف نشده، ولی با توجه به مواد مختلف می‌توان آن را شامل حقوق ذیل دانست:

الف) حق اخذ تصمیم درباره انتشار اثر؛

ب) حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده؛

ج) حق حرمت اثر.

با توجه به موارد بالا باید گفت که هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه صاحب اثر، اثر وی را نشر یا چاپ کند. همچنان که نمی‌تواند آن را به نام خود یا دیگری قلمداد کرده و یا اینکه در اثر دست برده و آن را به نحو دیگری وانمود سازد. این حقوق برخلاف حقوق مادی قابل انتقال به دیگران نبوده و تنها به شخص صاحب اثر یا مترجم تعلّق دارد و حتی به میل وی نیز نمی‌توان آن را به دیگری منتقل کرد.

۶- محدودیت‌های حقوق مادی ناشی از ترجمه

چون ترجمه و تألیف کاری فکری بوده قابل مقایسه با سایر حقوق مادی که اشخاص بر اثر اعمالی غیرفکری مانند تجارت، کارکردن و غیره به‌دست می‌آورند، نیست. قانونگذار برای انتقال این حقوق محدودیت‌هایی قایل شده است.

از نظر حقوقی، مترجم نمی‌تواند به هر مدتی که مایل است حقوق مادی خود بر اثر ترجمه‌شده را به دیگران منتقل سازد، بلکه وی حق دارد حداکثر تا سی سال این حق را به دیگری انتقال دهد و چنانچه بیشتر از مدت مزبور حقوق مادی خود را به شخص دیگری نقل دهد، مدت زاید بلااثر بوده و پس از گذشتن مدت سی سال، حقوق مادی مجدداً به خود وی منتقل می‌گردد و وی آزاد است که دوباره آن را حداکثر تا سی سال به دیگران منتقل سازد؛ و این به‌خاطر آن بوده که سودجویان نتوانند از نیازهای مادی وی سوءاستفاده کرده و حقوق مادی مؤلف یا مترجم را به‌طور مادام‌العمر به خویش اختصاص دهند.

لازم به توضیح است، در مواردی که حقوق مادی اثری به دیگران انتقال می‌یابد، منتقل‌الیه در هر حال موظف است نام مترجم را روی اثر ذکر نماید. بدیهی است اگر بین آن دو به‌طور خصوصی توافق شده باشد که نام مترجم روی اثر ذکر نگردد، چنین توافقی بلااشکال خواهد بود. (ماده ۱۰ قانون مدنی)

چنانچه مترجمی فوت نماید، حقوق مادی وی به‌طور قهری به وراثش منتقل می‌گردد و آنان قائم مقام وی در استفاده از این حقوق خواهند بود. اما تفاوتی که بین وراث یا موصی‌له و خود مترجم وجود دارد این است که مترجم تا زمانی که زنده است دارای حقوق مادی بر اثر است؛ ولی وراث یا موصی‌له از زمان فوت مترجم تنها تا سی سال صاحب این حقوق می‌باشند و با گذشت سی سال مذکور، آنان دیگر حقی بر اثر ترجمه‌شده ندارند و در انتقال این حقوق به دیگری نیز تنها در محدوده سی سال یادشده اختیار دارند. بنابراین، اگر وراث یا موصی‌له مترجمی حقوق مادی اثر را بیش از سی سال به دیگری منتقل کنند، مدت زاید بلااثر بوده و با انقضای سی سال، از اختیار هر دو آنان خارج می‌گردد.

به‌عنوان مثال: چنانچه مترجمی در زمان حیات خود حق مادی‌اش را برای مدت سی سال به دیگری واگذار کند و پنج سال پس از وقوع قرارداد فوت کند، چون منتقل‌الیه به‌مدت بیست و پنج سال دیگر دارای حق مادی بر ترجمه‌شده است، تا پایان این مدت، حقوق مادی اثر متعلق به اوست و پس از گذشت مدت بیست و پنج سال است که حقوق مادی به وراث

مترجم تعلق می‌گیرد؛ اما چون آنان تنها سی سال از تاریخ فوت صاحب اثر، بر ترجمه حق مادی دارند فقط به مدت پنج سال باقیمانده صاحب حق خواهند بود.

چنانچه مترجمی بلاوارث باشد و یا اثر خود را به نفع دیگران وصیت نکرده باشد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور استفاده عمومی، به جای وراثت به مدت سی سال از تاریخ فوت مترجم، اثر ترجمه شده را در اختیار خواهد داشت؛ ولی پس از انقضای مدت سی سال، هر کسی می‌تواند از اثر مذکور استفاده‌های مادی مشروع ببرد و دیگر نیازی به کسب اجازه از ورثه یا موصی‌له یا وزارت ارشاد اسلامی نیست.

مواردی که می‌توان بدون اجازه مترجم از حقوق مادی وی استفاده نمود.

در پاره‌ای موارد، قانونگذار به خاطر مصالحی که در نظر داشته است، اخذ اجازه از مترجم و صاحب اثر برای تکثیر و نسخه‌برداری ترجمه منتشر شده را لازم ندانسته است. این موارد عبارتند از:

الف) کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند، می‌توانند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد از آثار مورد حمایت قانون به میزان موردنیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه‌برداری می‌کنند.

ب) نسخه‌برداری برای استفاده‌های شخصی و غیرانتفاعی.

علاوه بر دو مورد یاد شده، مطابق ماده (۷) قانون حمایت حقوق مؤلفان: «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها برای مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ و در حدود متعارف مجاز است.» حتی قانونگذار برای تسهیل در تهیه جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان فراهم و تکثیر می‌شود، ذکر مأخذ را در آنها الزامی ندانسته، مشروط بر اینکه این کار جنبه انتفاعی نداشته باشد.

۷- ترجمه‌های مشترک

چنانچه ترجمه‌ای توسط دو یا چند نفر صورت گرفته باشد، به نحوی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، حقوق مترجمین بر آن به صورت مُشاع خواهد بود، بدین گونه که هیچ یک بدون اجازه دیگری نمی‌تواند به چاپ و نشر آن بپردازد. البته هر یک از مترجمین مذکور می‌تواند حق مادی خود بر چنین ترجمه‌ای را به دیگری انتقال دهد، ولی منتقل‌الیه نمی‌تواند بدون اجازه مترجم یا مترجمان دیگر از حقوق مادی آن مثل نشر و چاپ و تکثیر و.... استفاده نماید، بلکه چنین کاری منوط به اجازه سایرین خواهد بود. ولی چنانچه عمل ترجمه به طوری باشد که کار هر یک از مترجمان از یکدیگر متمایز باشد، هر یک به صورت مستقل بر آن قسمت که به وی تعلق دارد حق داشته و می‌تواند از آن مستقلاً استفاده نماید و یا حقوق مادی آن را به دیگری واگذار کند.

در مواردی که حقوق مترجمین به صورت مشاع است، مدت حمایت قانون از اثر ترجمه شده سی سال پس از فوت آخرین مترجم است. به عنوان مثال: اگر ترجمه‌ای صاحب پنج مترجم به صورت مشاع باشد و چهار نفر آنان فوت کنند، تا زمانی که نفر پنجم در قید حیات است وراثت یا موصی‌له مترجمان فوت شده می‌توانند از حقوق مادی خود بر اثر استفاده نمایند و مدت سی سالی که قبلاً بیان شد، از زمانی آغاز می‌شود که آخرین مترجم نیز فوت نماید.

۸- آیا می‌توان ترجمه متعلق به دیگری را بدون اجازه چاپ یا منتشر نمود؟

از نظر حقوقی، چنانچه شخصی اثری را ترجمه کند، حقوق مادی و معنوی آن متعلق به وی خواهد بود و بدین ترتیب، هیچ کس حق ندارد بدون اجازه مترجم، آن را چاپ یا نشر نماید و در این مورد فرقی بین ترجمه‌ای که در خارج چاپ یا منتشر شده و ترجمه‌ای که در داخل نشر نشده، وجود ندارد. منتها استثنایی که قانونگذار در این مورد قایل شده، این است که چنانچه مترجم تبعه ایران نباشد و بین کشور متبوع او و دولت ایران نیز قرارداد یا معاهده‌ای درباره حمایت از حقوق اتباع دو کشور در زمینه تألیفات و نوشته‌ها منعقد نشده باشد، حقوق مادی چنین مترجمی در ایران قابل حمایت نیست. پس، اگر ترجمه‌ای متعلق به تبعه

کشوری خارجی باشد، هر کسی می‌تواند آن را در داخل کشور چاپ یا نشر یا تکثیر کرده و کسب اجازه از وی الزامی نیست.

نه تنها ترجمه‌های متعلق به ایرانیان از حمایت قانون برخوردار است، اقتباس و تخلص و تبدیل آن نیز بی موافقت مترجم ممنوع می‌باشد. همچنین نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف آن اثر است از حمایت قانون برخوردار می‌باشد و هیچ کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آنها به کار برد. بنابراین، اگر کسی عنوان خاصی را برای ترجمه خود برگزیند دیگری نمی‌تواند آن را عیناً یا به گونه‌ای که القای شبهه کند برای ترجمه‌ای که خود انجام داده به کار برد.

مترجمین می‌توانند اثر و نام و عنوان آن را در مراکزی که از طرف وزارت ارشاد اسلامی آگهی می‌شود به ثبت برسانند.

۹- رعایت امانت علمی در ترجمه

هر مترجم در ترجمه اصلی، علاوه بر پایبندی به مفاد توافقی که بین وی و مؤلف اصلی یا قائم مقام وی بسته شده است باید رعایت امانت در نقل را نیز بنماید؛ زیرا عدم رعایت این امر علاوه بر اینکه ترجمه را از لحاظ علمی بی اعتبار می‌سازد موجب لطمه خوردن به شهرت مؤلف اصلی نیز می‌گردد. مؤلف می‌تواند برای اینکه از بی‌مبالاتی مترجم جلوگیری نماید در قراردادی که بین آن دو بسته می‌شود قید نماید که اگر مترجم رعایت امانت علمی در ترجمه را ننماید حق داشته باشد که از چاپ و نشر ترجمه جلوگیری نماید و یا اینکه حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

اگر بر اثر عدم رعایت اصول ترجمه و یا غرض ورزی مترجم به شهرت مؤلف اصلی لطمه وارد شود، مؤلف می‌تواند بدین خاطر مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، مترجم را تعقیب نموده و حکم به جبران خسارت‌های مادی و معنوی وارد شده به خود را از مراجع قضایی درخواست کند.

۱۰- حقوق مادی ترجمه‌هایی که به سفارش دیگری انجام می‌شود.

گاهی اوقات، اشخاص برای اینکه از مطالب اثری که به زبان بیگانه است مطلع شوند از فرد دیگری که با آن زبان آشناست درخواست می‌کنند که در ازای دریافت حق‌الزحمه، آن اثر خاص را برایشان ترجمه کند. حقوق مادی اثری که بدین ترتیب پدید می‌آید متعلق به سفارش‌دهنده بوده و مترجم بر این ترجمه تنها حق معنوی خواهد داشت، بنابراین، سفارش‌دهنده می‌تواند از کلیه حقوق مادی این ترجمه (چاپ، تکثیر، نشر، تجدید چاپ و....) استفاده نماید و یا آن را به دیگری واگذار سازد. البته گفتنی است چنانچه بین مترجم و سفارش‌دهنده به طرق دیگری توافق شده باشد به همان ترتیب رفتار خواهد شد.

حقوق مادی ترجمه‌ای که بر اثر سفارش دیگران پدید آمده از تاریخ نشر، حداکثر تا سی سال متعلق به سفارش‌دهنده خواهد بود و پس از گذشتن این مدت، مجموعه این حقوق به مترجم بازخواهد گشت؛ ولی چنانچه در مدت مزبور جایزه و پاداش و امتیازاتی که معمولاً در مسابقات علمی و هنری و ادبی به ترجمه‌ها تعلق می‌گیرد به چنین ترجمه‌ای هم تعلق گیرد، جوایز و امتیازات مزبور متعلق به مترجم خواهد بود.

۱۱- ترجمه‌هایی که توسط اشخاص حقوقی صورت می‌گیرد.

بسیاری مواقع کار ترجمه اگرچه توسط شخص یا اشخاص خاصی انجام می‌گیرد، ولی به شخص حقوقی معینی نسبت داده می‌شود. چنین ترجمه‌هایی مانند این است که توسط اشخاص حقوقی صورت گرفته است. چنانچه ترجمه توسط اشخاص حقوقی مثل مؤسسات، سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و.... انجام گیرد، حمایت قانون از چنین اثری از تاریخ نشر به مدت سی سال خواهد بود و با گذشت مدت مذکور، هرکسی می‌تواند از حقوق مادی متعلق به آن بهره‌برداری کند.

م تذکر: هر مترجم می‌تواند ضمن قراردادی که بامنتقل‌الیه منعقد می‌کند شرط نماید که وی حق انتقال حقوق مادی که به وی منتقل شده است را به دیگری ندارد. چنانچه این شرط در توافق قید نگردد منتقل‌الیه حق خواهد داشت تا زمانی که حقوق مادی اثر به وی متعلق است آن را به دیگری واگذار کند. مترجم همان‌گونه که حق دارد کلیه حقوق مادی خویش بر اثر را به دیگری منتقل کند، حق دارد که تنها قسمتی از این حقوق را واگذار نماید. وی

پس، می‌تواند حق چاپ ترجمه خود را به شخص و حق نشر آن را به دیگری منتقل کند، همان‌طوری که می‌تواند حق تجدید چاپ آن را به شخص ثالثی بدهد.

۱۲ - ضمانت‌های اجرایی برای حمایت از حقوق مترجمین

وقتی که قانون، حقوقی را برای کسی می‌شناسد از آن نیز باید حمایت کند و الاً بدون چنین حمایتی، آن حقوق بی‌معنا و مفهوم خواهد بود. حقوق مترجمین نیز از این قاعده خارج نبوده و قانونگذار به موازات حقوقی که برای وی قائل شده ضمانت اجرایی تجاوز به آن را نیز بیان کرده است. در حمایت از حقوق معنوی مترجم، ماده (۲۴) قانون حمایت حقوق مؤلفان می‌گوید: «هر کس بدون اجازه، ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

در زمینه حقوق مادی مترجم، قانونگذار حق تکثیر و تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه را خاص مترجم یا وراث قانونی یا منتقل‌الیه می‌داند و چنانچه شخصی عالماً و عامداً ترجمه دیگری را بدون اجازه وی یا قائم مقام قانونی‌اش مورد نشر و چاپ و تکثیر و ... قرار دهد، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. تغییر یا تحریف و نیز نشر آثار بدون اجازه صاحب اثر موجب محکومیت متخلف به حبس از سه ماه تا یک سال خواهد بود.

تعقیب این نوع جرایم با شکایت شاکی خصوصی شروع شده و با گذشت وی متوقف می‌گردد. چنانچه متهم در دادگاه رسیدگی‌کننده محکوم گردد، شاکی می‌تواند از مرجع صادرکننده حکم بخواهد که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌های کشور، به انتخاب و هزینه‌اش آگهی گردد. همچنین وی می‌تواند از مراجع قضایی تقاضا کند که نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آنها دستور لازم را صادر نمایند.

شاکی علاوه بر درخواست تعقیب جزایی متهم می‌تواند صدور حکم درباره ضرر و زیان واردشده بر خویش را نیز از دادگاه رسیدگی‌کننده درخواست کند. بنابراین، اگر از عمل محکوم‌علیه به مترجم خسارت‌هایی وارد شده باشد، از اموال متهم قابل وصول می‌باشد.

